

کرد ولی بعد از آزار ابن زبیر عبدالله بن عباس به طایف رفت و در ۷۶ هـ در آنجا درگذشت و محمد بن حنفیه بر او نماز خواند. فرزند او علی به توصیه پدر نزد عبدالملک رفت و علیه مصعب بن زبیر جنگید ولی چون با همسر مطلقه عبدالملک ازدواج کرد ۲ بار شلاق خورد. سپس او را به زندان انداختند و پس از آن تبعید کردند. در زمان سلیمان نیز او را به دمشق آوردند و شلاق زده و ارونه بر شتر بستند و او فریاد می زد فرزندان من به خلافت می رسند پسرش جنازه هشام را شلاق زد و سوزاند و استخوان های امویان (معاویه، یزید، عبدالملک و...) را سوزاند

#### روابط عباسیان و علویان

عباسیان از زمان رحلت پیامبر (ص) تا واقعه ی کربلا به امامت علی (ع) معتقد بودند ولی از امام سجاد حرفی نزدند. (ابن عباس) از کربلا تا مرگ ابوهاشم (پسر محمد بن حنفیه) در سال ۹۸ از علویان برخی ابوهاشم را پذیرفتند و او وصیت کرد به محمد بن علی بن عبدالله بن عباس پیوندند.

سفارش ابن عباس به دوری از علویان (فرزندان حسن و حسین و محمد حنفیه) و ترک حجاز، و رفتن به حمیمه و شراه بود.

روش عباسیان از ۱۰۰ - ۱۳۲ هـ به دوری از قیام ها حتی زید و یحیی و دعوت از مردم خراسان با تبلیغ شعار الرضا من آل محمد تا پس از تشکیل حکومت بود و از سال ۱۳۲ به بعد روش مخالفت و دشمنی با علویان را در پیش گرفتند زیرا به حکومت رسیده بودند.

#### دوران امام صادق (ع) ۱۴۸ - ۸۳

نام: جعفر، کنیه: ابوعبدالله، لقب صادق، نام مادر: ام فروه، امامت از ۱۱۴ تا ۱۴۸ (طولانی ترین دوران امامت به همین جهت ایشان را شیخ الانمه می گفتند)

خلفاء معاصر: هشام بن عبدالملک و ولید بن یزید بن عبدالملک، یزید بن ولید بن عبدالملک، ابراهیم بن ولید ۷۰ روز، مروان بن محمد (مروان حمار)

و از خلفای عباسیان: عبدالله بن محمد (سفاح) ۱۳۲ - ۱۳۷ و ابوجعفر (منصور) ۱۳۷ - ۱۵۸

منصور به امام گفت: چرا نزد ما نمی آیی؟ آیا از ما می ترسی؟ امام فرمود: از دنیا چیزی ندارم که به خاطر حفظش از تو بترسم و از آخرت چیزی نداری که به خاطر آن از تو بترسم.

منصور گفت: چرا مرا نصیحت نمی کنی؟ فرمود: تو را در نعمتی نمی بینم تا تبریک گویم. سپس امام به او فرمود: من اراد الدنيا فلا ينصحك و من اراد الاخره فلا يصحبك

مقام علمی امام ابوحنفیه ۴۰ سوال مشکل به دستور منصور از امام می پرسد و امام همه را پاسخ می دهد.

ابوحنفیه (م. ۱۵۰) می گوید: من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیدم، اگر ۲ سال شاگردی امام در زندگی من نبود از دست رفته بودم. مالک بن انس (م. ۱۷۹) می گوید: مدتی نزد امام صادق (ع) بودم یا نماز می خواند یا روزه بود یا قرآن می خواند.

شاگردان امام: سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، محمد بن حسن شیبانی، یحیی بن سعید در فلسفه و در کلام مومن الطاق، مفضل بن عمر، هشام بن حکم، هشام بن سالم، در ریاضی و شیمی جابر بن حیان، در فقه و تفسیر زرارۀ بن اعین، جابر جعفی، ابوبصیر، فضیل بن یسار محمد بن مسلم، برید عجلّی.

عصر امام مصادف بود با ورود افکار صوفیانه هندی، اندیشه‌های مذهبی ایران باستان (مانویت و مزدکی گری) و تفکرات فلسفی یونان

در داخل افکار آمیخته با تعصب نژادی عرب، تفاسیر دلخواه و خلافت پسندانه از اسلام، جعل حدیث و خرافات و اوهام چهره دین را مخدوش و مسلمین را سردرگم کرده بود. امام مساله اصلی را تصفیه و بازسازی فرهنگ دینی قرار داد.

پایه‌گذاری مذهب جعفری توسط امام با دو اقدام همراه بود. ۱. تخریب و ویرانگری بدعت‌ها و افکار و عقاید غلط. ۲. تأسیس مکتب کلامی صحیح و تبیین اصول و روش علمی، جدلی، کلامی و مشاجره و مباحثه عواملی که موجب جنبش فکری این عصر علمی شده بود: ۱. آزادی و حریت فکر و عقیده در اسلام. ۲. ورود اقوام و ملل تازه مسلمان که دارای سوابق فرهنگی و علمی بودند مانند ایران، مصر، ۳. همزیستی مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان بخصوص با اهل کتاب، ۴. رفع اختلاف اموی ۵. روش عباسیان در ترجمه کتاب‌های فلاسفه ی یونان، ۶. دوری مردم از اسلام ناب موجب پیدایش فرقه‌های مختلف نظیر مرجئه، غلات، معتزله، زنادقه، مجسمه، متصوفه، تناسخیه و... شده بود.

اهداف امام:

۱. وضع قاعده و چهارچوبی استوار بر تشریع اسلامی به منظور جلوگیری از هرج و مرج فقهی و اجتهاد بی‌پایه، قیاس به رأی و استحسان و... به علت وجود شرایط و زمینه‌های انحراف با مشکلات بسیار در زمینه ی فقه و حدیث، سیاست امام بر تقدم فعالیت‌های فرهنگی بود.

۲. اصلاح مفاهیم غلط و احادیث جعلی و تبیین مواضع حدیث صحیح و ضوابط نقل حدیث و ثبت آن

۳. ایجاد رشته‌های تخصصی و گزینش و تربیت شاگردان در آن رشته‌ها

۴. تمرکز مرجعیت علمی و امامت به عنوان یک فریضة دینی و الهی وارث علوم نبوی

سیدامیر علی از معاصرین در "مختصر تاریخ العرب" ص ۱۹۳ (بیروت) می‌نویسد: فتوا و آرای دینی نزد سادات و شخصیت‌های فاطمی رنگ فلسفی به خود گرفته بود. و رهبری حرکت با امام صادق بود. در مجالس درس او فقط مؤسسين مذاهب فقهی نبودند بلکه فلاسفه و طلاب از مناطق دور دست نیز مانند حسن بصری مؤسس مکتب فلسفی بصره و واصل بن عطا (مؤسس معتزله) شرکت داشتند. شاگردان ایشان ۴ هزار نفر بودند (رجال شیخ طوسی)

فعالیت‌های سیاسی امام صادق(ع)

اعزام نمایندگان به منظور تبلیغ و تبیین جریان امامت و تفکیک اسلام ناب از اسلام اموی و عباسی  
مخالفت با بیعت با محمد نفس زکیه به عنوان مهدی امت  
برخورد و پاسخ به نامه‌های سران نهضت عباسی به امام



منع شیعیان از مراجعه به قضات دستگاه عباسی  
منع شیعیان از وابستگی به دستگاه حکومت  
رعایت اصل تقیه جهت حفظ موجودیت شیعه و شیعیان  
رویارویی با منصور عباسی  
ترندهای منصور:

۱- مرجع تراشی: منصور ابوحنیفه را در مقابل امام به عنوان مرجع قرار داد.

۲- جبرگرایی و تخریب افکار

۳- تظاهر به دین داری و دعوت از وعاظ درباری

۴- سیاست فشار اقتصادی بر امام و شیعیان

۵- دگرگون ساختن نظریه ی میراث

عوامل شورش مردم علیه بنی امیه: ۱. مظلومیت خاندان پیامبر به دست امویان، ۲. تحقیر مسلمانان غیرعرب (ایرانیان) و محرومیت آنان از خاندان پیامبر

لذا شعار عباسیان طرفداری از خاندان پیامبر و جلب حمایت ایرانیان بود ابومسلم را به خراسان فرستادند ابومسلم پس از مرگ ابراهیم امام (رهبر عباسیان) آمادگی خود را برای قبول بیعت با امام صادق را به ایشان اعلام کرد و گفت: اگر مایل هستید برای خلافت بهتر از شما نیست. امام در پاسخ نوشت: ما انت من رجالی ولاالزمان زمانی

در ابواء (بین مدینه و مکه) از رؤسای بنی هاشم (از اولاد امام حسن عبدالله محض و پسران او محمد و ابراهیم) و از بنی عباس (ابراهیم امام و ابوالعباس سفاح و منصور و... حضور داشتند و اجتماع محرمانه تشکیل دادند. این امر ۱۲ سال قبل از قیام ابومسلم بود. عبدالله محض فرزندش را به عنوان مهدی امت معرفی کرد و امام صادق (ع) مخالفت نمود و فرمود او مهدی امت نیست و به این عنوان با او بیعت نمی کند مگر این که قیام به نام امر به معروف باشد که در آن صورت بیعت می کند. عبدالله محض ناراحت شد و به امام نسبت حسادت داد. امام فرمود این مرد و برادرانش (ابوالعباس و منصور) به خلافت می رسند و نمی گذارند خلافت به شما برسد.

ابوسلمه خلال که بعدها به عنوان وزیر آل محمد (ص) معروف شد پس از مرگ ابراهیم امام اوضاع را به زیان خود دید و بر آن شد تا به فرزندان علی (ع) پیوندد. و به سه تن از بزرگان علوی به امام صادق (ع) و عبدالله بن محض و عمر الاشرف بن زین العابدین نامه نوشت و گفت اولین نامه را به امام صادق برسان اگر او پذیرفت دو نامه دیگر را از بین ببر و گرنه نزد عبدالله محض و سپس نزد عمر الاشرف برو. امام صادق فرمود مرا با ابوسلمه که پیرو دیگران است چه کار و نامه را در آتش چراغ سوزاند. و فرمود جواب او همین است ولی عبدالله محض نامه را پذیرفت و فوراً نزد امام صادق آمد و گفت ابوسلمه از خراسان به خلافت دعوت کرده است. امام فرمود آیا تو آنان را می شناسی؟ ابومسلم را تو پیش آنان فرستاده ای؟ آیا آنان تو را می شناسند؟ چگونه شیعه تو شده اند. عبدالله سخنان امام را خیراندیشی ندید و گفت تو در این کار حسادت داری. امام فرمود حکومت از آن بنی عباس خواهد بود. این آرزوهای باطل را از خود دور کن. عبدالله با ناراحتی بازگشت.



عمر بن زین العابدین نامه را پاسخی نداد و گفت من صاحب نامه را نمی‌شناسم. ابوسلمه بار دیر هنگامی که پرچم‌ها برافراشته شد نامه‌ای به امام فرستاد که ۷۰ هزار جنگجو آماده‌اند اما امام یاران خود را نیز از همراهی با آنان منع کرد. ابوسلمه پس از رسیدن به کوفه زمام امور را بدست گرفت. او می‌خواست خود تصمیم گیرنده اصلی باشد و خلیفه علوی در حد یک مقام تشریفاتی باشد (ابومسلم و ابوسلمه می‌خواستند از وجهه روشن اهل بیت برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری کنند وگرنه فرستادن سه نامه با یک مضمون معنا نداشت گرچه طراح اصلی عباسیان بودند و ابوسلمه آلت دست آنان بودند).

ابراهیم امام خطاب به ابومسلم گفت: به خراسان برو و اگر به هر کس در وفاداری ما شک کردی او را به قتل برسان. مورخان به ۶۰۰ هزار تن کشته توسط ابومسلم اشاره کرده‌اند. منصور نیز در زمان کشتن ابومسلم به همین تعداد اشاره می‌کند. ابومسلم حتی ابوسلمه را نیز به قتل رساند و خودش توسط منصور کشته شد.

پس از قیام نفس زکیه منصور شخص سنگدلی را به نام ریاح بن عثمان به مدینه فرستاد منصور تهدید کرد مدینه را در محاصره اقتصادی قرار می‌دهد. و هنگامیکه ریاح نامه منصور را در مسجد خواند، با اعتراض مردم روبرو شد طوری که مردم او را سنگباران کردند و او پنهان شد اما منصور تهدید خود را عملی کرد و محاصره اقتصادی مدینه تا زمان مهدی عباسی پسر او ادامه داشت.

محمد (نفس زکیه) در عهد منصور قیام کرد و در رمضان ۱۴۵ هـ در سن ۴۵ سالگی نزدیک مدینه کشته شد. سپس ابراهیم - برادرش - بر اهواز و بصره و فارس مسلط شد ولی او نیز در ذیحجه سال ۱۴۵ کشته شد. منصور عبدالله و خویشانش را دستگیر کرد. و برخی از فرزندان و یاران او نظیر ادريس فرار کردند. ابتدا ادريس به مصر و سپس به مغرب رفت و دولت ادارسه را در مغرب تشکیل داد و یحیی به طبرستان و گیلان رفت و زمینه حکومت علویان را در دیلمان و طبرستان فراهم کرد.

امام موسی بن جعفر (ع) ۱۸۳ - ۱۲۸

امام موسی بن جعفر، از نظر زمانی، معاصر با خلفایی چون منصور، مهدی، هادی و برادرش هارون الرشید بود. کنیه امام ابوالحسن اول و القاب او کاظم و عبد صالح بود.

وقتی منصور از شهادت امام صادق (ع) مطلع شد به فرماندار مدینه (محمد بن سلیمان) نوشت وصی او را احضار کن و گردن بزن. در وصیت نامه رسمی امام صادق (ع) ۵ نفر را به عنوان وصی معرفی کرده بود. ۱. خلیفه وقت (منصور)، ۲. فرماندار مدینه، ۳. عبدالله بن جعفر بن محمد (برادر بزرگ امام کاظم)، ۴. موسی بن جعفر، ۵. حمیده (همسر آن حضرت)

محورهای اصلی کار امام موسی کاظم (ع)

۱. برنامه‌ریزی فکری و برخوردهای متناسب با انحرافات دینی و مذهبی که در جامعه تبلیغ می‌شد.
۲. نظارت مستقیم بر پایگاههای توده‌ای و طرفداران و پیروان خود و ارائه رهنمودها در برابر حکومت.
۳. احتجاج، ازمادار وقت (هارون الرشید)
۴. بیدار کردن وجدان انقلابی امت و تشویق آنها برای قیام و مبارزه (حسین بن علی بن حسن فخر) ۱۹۶ هـ



هدف امام، حفظ جان و مال و حقوق شیعیان و کمک به نهضت سری آنان بود.

علی بن یقظین از یاران امام بود که پس از پدرش (که از طرفداران بنی عباس بود) وزارت هارون را با موافقت امام پذیرفت و بعدها که می‌خواست استعفا دهد امام او را منصرف کرد. او خمس اموال خود را به امام می‌رساند و خمس مالیاتی که از شیعیان وصول می‌شد به آنان باز گرداند. نکته دیگر در کار علی بن یقظین تشکیل کنگره حج بود که شخصیت‌های بزرگی مثل عبدالرحمن بن حجاج و عبدالله بن یحیی کاهلی در مراسم بودند.

پس از منصور فرزندش محمد مشهور به مهدی به حکومت رسید و ابتدا فرمان عفو عمومی صادر کرد ولی پس از مدتی سختگیری‌ها آغاز شد. علت دستگیری امام و شهادت امام: نفوذ معنوی امام و احساس خطر و حسادت نسبت به موقعیت اجتماعی امام بود.

تبلیغ امام در عین تقیه روحیه مقاومت در امام

چگونگی شهادت امام در زمان هارون الرشید با زهر توسط یحیی برمکی به دست سندی بن شاهک به شهادت رسید. یحیی برمکی برای تبرئه کردن فضل (پسرش) به هارون قول داد که آن وظیفه‌ای را که دیگران انجام نداده‌اند، من انجام می‌دهم. و به سندی دستور قتل امام را داد.

فاجعه فخ

حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب، مادرش زینب دختر عبدالله محض بود. در سال ۱۶۹ در مدینه قیام کرد و در ۸ ذیحجه یوم الترویه در مکانی بنام فخ نزدیک مکه به شهادت رسید.

علت قیام: حاکم مدینه مقرر داشت هر روز رجال بنی هاشم در مقر حکومت حاضر شوند و هر یک ضامن دیگری شود، تا بتواند یکی را در غیبت دیگری بازداشت کند. روزی حسین و یحیی بن عبدالله به واسطه غیبت یکی از بزرگان بنی هاشم به عنوان گروگان بازداشت شدند. حسین که پدر و دایی و عموی مادری او به وسیله منصور کشته شده بودند قیام کرد. مردم مدینه با او بیعت کردند و سپاه خلیفه را عقب راندند. برای استفاده از مسلمین در موسم حج به سوی مکه رفت. هادی عباسی سپاهی عظیم فرستاد. در فخ درگیر شدند و حسین و برخی از یارانش شهید و عده‌ای ابتدا اسیر و پس از انتقال به بغداد کشته شدند. سرهای آنها را جدا کردند و برای هادی فرستادند. آنها حدود ۱۰۰ نفر بودند. حسین شهید فخ با امام کاظم (ع) در تماس بود و امام به خاطر مشکلات سیاسی به صورت غیرعلنی از نهضت او حمایت می‌کرد و پیشگویی شهادت او را نیز کرده بود.

با شهادت حسین دو فرزند عبدالله یحیی به گیلان و ادريس به مغرب رفتند. و یحیی با دسیسه هارون کشته شد. هارون فضل بن یحیی برمکی را با سپاهی به دیلم فرستاد. فضل به دستور هارون به یحیی وعده امان داد. و او که نیروهایش را پراکنده می‌دید راضی به قبول امان شد. هارون امان نامه‌ای به خط خود به او نوشت و عده‌ای از بزرگان را شاهد قرار داد. یحیی وارد بغداد شد. هارون ابتدا با او مهربانی کرد. و اموالی به او داد. ولی پنهانی نقشه قتل او را کشید و او را متهم به شورش بر ضد خود نمود و فقها را جمع کرد تا بطلان امان نامه را اعلام کنند. محمد بن حسن

شیبانی گفت: امان نامه صحیح است و ابوالبختی آن را باطل اعلام کرد. و آن را به دستور هارون پاره کرد. و ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار درهم انعام گرفت و به منصب قضا رسید و محمد بن حسن برکنار شد. و یحیی به قتل رسید.

امام رضا (ع) ۲۰۳ - ۱۴۸ کنیه: ابوالحسن ثانی، (مادر ایشان تُکَم بود که طاهره نام گرفت)

امام ده سال معاصریا هارون، پنج سال معاصریا محمد امین و پنج سال معاصر با مأمون بودند.

امین - ولیعهد اول هارون - و فرزند زبیده از قبیله بنی عباس بود. ولیعهد دوم، برادر امین - مأمون - بود که مادرش یک زن ایرانی بود. چون هارون در شطرنج به زبیده باخت، مجبور شد با مراجل - زشت ترین کنیز آشپزخانه اش که ایرانی بود - همبستر شود و حاصل ازدواج هارون و این کنیز ایرانی مأمون بود. هارون تربیت مأمون را به جعفر برمکی و فضل بن سهل (ذوالریاستین) - که هر دو ایرانی بودند - سپرد.

در سال ۱۹۳ هارون برای دفع شورش خراسان به آنجا رفت و مأمون را والی خراسان کرد و خود در طوس درگذشت.

امین پس از ۱۸ روز تصمیم گرفت مأمون را خلع و پسرش موسی را ولیعهد نماید و علی بن عیسی بن ماهان با او موافقت کرد. و سایر وزرا مخالف بودند.

مأمون نیز امین را خلع کرد تا این که در ۱۹۸ امین کشته شد و مأمون به خلافت رسید.

این ایام آزادی نسبی امام را در برداشت و فرصت خوبی برای فعالیت های امام بود.

علل دعوت یا اهداف مأمون:

۱- ناخشنودی عباسیان از مأمون

۲- موقعیت برتر امین در بین بنی عباس

۳- تبدیل صحنه مبارزات حاد انقلابی شیعه به عرصه فعالیت سیاسی آرام و بی خطر

۴- تخطئه مدعای تشیع مبنی بر غاصبانه بودن خلافت اموی و عباسی و مشروعیت دادن به این خلافت ها

۵- کنترل امام

۶- مطرح کردن شایستگی خلافت خویشتن (عباسیان) بر بلاد ایران، روم و مصر با برتری علمی خلافت،

۷- کسب وجهه و حیثیت معنوی و ایجاد مصونیت برای خویشتن

۸- توجیه کردن دستگاه خلافت توسط امام

۹- خاموش کردن قیام علویان و شیعیان در نقاط مختلف و جلب نظر علویان

۱۰- جلب افکار شیعیان در خراسان و نواحی دیگر که در پایه های حکومت موثر بودند.

۱۱- تهدید ضمنی عباسیان که در اطراف امین بودند و مخالف ولایتعهدی مأمون بودند.

۱۲- محدود کردن موقعیت امام به ولایتعهدی و پیشگیری از خطری که از ناحیه امامت اهل بیت او را تهدید می کرد.

۱۳- بهره گیری از موقعیت علمی امام که مأمون به خوبی از آن آگاه بود زیرا مأمون را خلیفه دانش دوست لقب داده بودند.



۱۴- طبق نظر برخی مورخان دعوت به پیشنهاد فضل بن سهل بود (لکن چون فضل مانع اقامه نماز عید امام شد و با انتقال پایتخت از مرو به بغداد موافق بود شیخ صدوق فضل را از دشمنان امام می‌داند فضل دست پرورده آل برمک و مخالف امام بود لذا نمی‌تواند این نظر صحیح باشد.

۱۵- جبران نفرت مسلمین از برادر کشی مأمون و جلب نظر آنان. بهانه گیری جهت شورش‌های متعدد علویان که از فرصت برادر کشی امین و مأمون استفاده کرده و قیام کردند. این قیام‌ها عبارتند از: الف) قیام ابوالسرایا که به نقلی در عرض ده ماه، ۲۰۰ هزار نفر از طرفداران خلیفه کشته شدند و او را نیز دستگیر و گردن زدند. او نخست از طرفداران بنی عباس بود در کوفه قیام کرده و مخالفان را گردن زده بود. ب) قیام زید النار در بصره چون خانه‌های سیاه جامگان و بنی عباس را به آتش می‌کشید به او زیدالنار گفتند.

ج) قیام محمد دیباج و محمد بن جعفر در مکه و نواحی آن

د) قیام موسی پسر جعفر که علیه خلیفه در یمن به پا خاست

ه) قیام محمد بن سلیمان بن داود بن حسن در مدینه

و) قیام جعفر بن زید بن علی و نیز حسن بن ابراهیم بن حسن بن علی در واسط

ز) قیام محمد بن اسماعیل در مدائن

#### نقد و بررسی دعوت مأمون

در مورد مبنای پیشنهاد مأمون نظرات متفاوت است. احتمال اول: دعوت از طرف مأمون بوده است. شیخ مفید: مأمون ابتدا صداقت داشت بعد پشیمان شد. شیخ صدوق: چون امام می‌دانست مأمون پشیمان خواهد شد نپذیرفت. اکثر علما: چون مأمون صداقت نداشت و پیشنهاد او یک نیرنگ سیاسی بود زیرا امام فرمود: تو می‌خواهی وجهه مرا خراب کنی. احتمال دوم: از طرف فضل بن سهل بود که مجوسی بود و در زمان برامکه وارد دستگاه شده و مسلمان شدند. برخی می‌گویند: پدر فضل و حسن (سهل) مسلمان شده بود. لشکر مأمون ایرانی بودند. ادوارد براون و جرجی زیدان می‌نویسند: فضل شیعه بود و حسن نیت داشته است، اما طبق نظر شیعه، فضل از شیعیان نبوده زیرا امام بیش از آنکه با مأمون مخالفت داشته باشد، با او مخالف بود. شیعه معتقد است که ابتکار سپردن ولایتعهدی به امام، از فضل نبوده است، و اگر هم بوده، نیت فضل برای این کار آن بوده که می‌خواست به وضعیت به زمان زرتشتی برگردد و حکومت از دست مأمون نیز خارج شود، احتمال دیگر آن است که فضل به منظور جلب نظر ایرانیان که عموماً متمایل به شیعه بودند و برای فرو نشاندن قیام‌های علویان و خلع سلاح کردن حضرت رضا(ع)، اقدام به این کار نموده است.

نویسنده سیره پیشوایان در نقد و بررسی دعوت مأمون از امام(ع) می‌نویسد:

۱. اگر مأمون صادقانه دعوت را مطرح کرده بود می‌توانست امام در همان مدینه بماند که پایگاه نبوت هم بود و خود در ایران نمایندگی حضرت را داشته باشد.

۲. چرا دستور داد امام را از طریق بصره و اهواز و فارس که راهی گرم و سخت بود بیاورند نه از طریق کوفه و قم که شیعیان بیشتر بودند.

۳. چرا در ابتدا به امام پیشنهاد خلافت داد و خود را ولیعهد خواند و انتخاب ولیعهد را به عهده امام گذاشت.

۴. چرا وقتی امام نپذیرفت امام را تهدید کرد.

۵. چرا پس از شهادت امام ولایتعهدی را به امام جواد واگذار نکرد؟

۶. چرا مانع نماز عید فطر امام شد؟

علت پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا(ع)

۱. امام رضا(ع) فرمود به همان دلیل که جدم علی(ع) شرکت در شورای ۶ نفره را پذیرفت یعنی نشان می‌دهد هم تهدید به مرگ در کار بوده و هم دعوت ساختگی بوده است.

۲. امامت و شیعه بعد از شهادت امام صادق(ع) به صورت حزب مخفی و شبکه سری وکلا و نمایندگان امام در آمده بود و از این طریق به صورت رسمی و علنی مطرح می‌شد و نشان می‌داد اسلام امامت و تشیع هم وجود دارد که غیر از اسلام خلافت است. احیاء تشیع در قالب جدید، مرگ سبز با ایثار جان خویش.

۳. ترویج امامت به عنوان یک اصل و منصب الهی با بیان حدیث سلسله الذهب در نیشابور در حضور انبوه مردم.

۴. دیدار با شیعیان مهاجر در سرزمین‌های دیگر از نزدیک

۵. احیای سنن واقعی اسلامی نظیر خواندن نماز عید فطر به شیوه پیامبر(ص).

برخورد و موضع‌گیری‌های سیاسی امام رضا(ع)

۱. حرکت امام از مدینه به گونه‌ای بود که ناخشنودی امام از سفر مشخص شد. به خانواده خود فرمود: برای او گریه کنند چون سفر را بازگشتی نیست.

۲. رد پیشنهاد مأمون در ابتدا و پذیرش آن با شرایط ویژه: ۱. چیزی ننویسد و عزل و نصب نکند، ۲. امضاء نکند.

۳. شرکت در محافل علمی و مطرح ساختن مکتب فکری و فرهنگی شیعه در مقابل تسنن، مسیحیت، نستوریان، صابی‌ها و رومیان و مکاتب هندی و برهمنی.

۴. مناظره با سران مذاهب، همچون رأس الجالوت و دانشمندان یهودی، جاثلیق(رئیس اسقف‌ها)، هریداکبر(پیشوای زرتشتیان)، عمران صابی، سلیمان مروزی، علی بن محمد بن جهم ناصبی در حضور مأمون.

۵. بیان احکام عبادی و سیاسی اسلامی مانند حکم نماز مسافر<sup>۲</sup> در سفر و برگزاری نماز عید فطر طبق سنت پیامبر(ص)

۶. مخالفت با مأمون و حمایت از دفاع مستدل پیرمرد ظاهر الصلاح که به جرم سرقت او را نزد مأمون آوردند و خطاب به مأمون گفت: سرقت فسرت به مأمون گفت: تو حق مرا از بیت‌المال ندادی و خمس غنائم را ندادی.

۲. امام فرمودند: اگر سفر برای دین سلطان چنان باشد سفر معصیت و نماز تمام است و گرنه قصر است و شکست.



مأمون گفت: باید تو را تطهیر کنم و حد بزنی. پیرمرد گفت: الخبیث لا یطهر الخبیث گفت: تو برده مایی و حق شرعی نداری. مادرت از بیت المال خریده شده و تو حق همه هستی.

مأمون به امام گفت: ببین چه می گوید، امام فرمود: فله الحجه البالغه: مأمون شرمنده شد و او را معاف کرد.  
۶. با آن که مأمون از امام خواست هر که را می خواهد از خانواده اش به همراه بیاورد ولی امام هیچ کس حتی امام جواد را نیاورد.

مناظره امام رضا با جاثلیق پیشوای نصرانیان

مأمون دانشمندان را به مناظره با امام (ع) دعوت کرد. جاثلیق گفت او به کتابی استدلال می کند که من قبول ندارم. امام فرمود: اگر از کتاب خودت استدلال کنم چه؟ امام فرمود: در سفر سوم این مطلب هست و نسطاس رومی و رأس الجالوت (بزرگ یهودیان) را گفت از کتاب بخوانید، اگر در آن ذکری از محمد و اهل بیتش بود به نفع من شهادت دهید. امام آن را قرائت کرد و آنها و جاثلیق شهادت دادند که راست است. جاثلیق پرسید حواریون چند نفر بودند و علمای انجیل چند نفر؟ حضرت فرمود: حواریون ۱۲ نفر بودند که اعلم آنها لوقا بود و علمای بزرگ نصاری یوحنا یاکبر در سرزمین باخ و یوحنا ی دیگر در قرقیسا و یوحنا دیلمی در حجاز بودند که نام پیامبر و اهل بیت و امتش نزد او بود و او به امت عیسی و بنی اسرائیل بشارت داد.

امام پرسید: آیا مسیح روزه می گرفت و نماز می خواند؟ در این صورت عبادت چه کسی را می کرد؟ امام: اگر زنده کردن مردگان کار خدایی است و مسیح خداست چرا الیسع و حزقیل نبی را نپرسیدند؟ در تورات هست که اسرای بنی اسرائیل را وقتی به بابل بردند حزقیل نبی آنها را زنده کرد. رأس الجالوت گفت: این را می دانیم امام فرمود: این سفر از تورات را بخوان امام ادامه داد چرا ابراهیم را اله نمی گیرید که پرنده ها را زنده کرد. یا موسی را که در طور ۷۰ نفر را زنده کرد.

امام از کتاب اشعیا از او و رأس الجالوت سؤال کرد. آیا در آن هست که اشعیا گفت من کسی را دیدم که بر دراز گوشی سوار بود و لباس هایی از نور داشت (مسیح) و کسی که بر شتر سوار بود و نورش مثل نور ماه (پیامبر ص) بود؟ گفت: آری او گفته است. از او پرسید که آیا او نگفت که من به سوی پروردگار خود و شما می روم و بارقلیطا درباره من شهادت به حق می دهد و همه چیز را برای شما تفسیر می کند؟ جاثلیق گفت: آنچه از انجیل می گویی معترفیم و مطالب دیگری که امام از انجیل و تناقضات کلام جاثلیق را بیان کرد. جاثلیق گفت: گمان نمی کردم در میان مسلمین کسی مثل تو باشد.

شرایط خاص فرهنگی در عصر عباسیان

طبیعت علم دوستی اسلام و سفارش های پیامبر به علم آموزی موجب شده بود به موازات پیشرفت های سیاسی و عقیدتی در سایر کشورها آثار علمی از یونان و مصر و ایران و هند و روم ترجمه شود و علمای اسلام با صیغه اسلامی دانش هایی بر آنها افزودند و نیز آنها را مورد نقد و بررسی قرار دادند.

1. The first part of the paper is devoted to a general discussion of the problem of the existence of solutions of the system of equations

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  of the space  $E_3$  bounded by the surface  $S$ .

2. In the second part of the paper the problem of the existence of solutions of the system of equations

is solved for the case when the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  are assumed to be continuous in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions

which are satisfied by the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  in the domain  $D$  and to satisfy the boundary conditions

on the surface  $S$ . It is shown that the system of equations has a unique solution in the domain  $D$  if the functions  $u_i(x, y, z)$  and  $v_i(x, y, z)$  satisfy the conditions



ترجمه آثار علمی از زمان امویان شروع شد و در عصر عباسیان (به خصوص زمان هارون و مأمون) به اوج خود رسید. به دستور منصور برخی از کتب سقراط و جالینوس توسط حنین بن اسحاق و کلیله و دمنه توسط ابن مقفع به عربی ترجمه شد. مأمون با تأسیس بیت الحکمه - کتابخانه و دارالترجمه مشهور در بغداد - با همکاری دانشمندانی نظیر حجاج بن مطر و ابن بطریق و سلما به سرپرستی آن می‌خواست هم خود را مسلمانی دانش‌دوست جلوه دهد و هم شایستگی عباسیان را برای اداره کشورهای نظیر ایران، روم و مصر ثابت نماید و افکار دانشمندان را به سوی خود جلب نماید و با استعانت از اندیشه‌های غربی و شرقی توازن اندیشه اسلامی را بر هم زده و پایه‌های حکومت خود را تقویت کند. برخی در این زمینه به توجیه حکومت خسروان بر توده‌ها در کتب فارسی اشاره کرده‌اند. در این زمان دانشمندان و مترجمان بسیاری به بغداد آمدند.

هارون پس از فتح آنکارا و عموریه و شهرهای روم کتاب‌های آنها را به بغداد حمل کرد و به یوحنا بن ماسویه پزشک خود دستور داد آنها را به عربی ترجمه کند.

در همین زمان کتاب اقلیدس توسط حجاج بن مطر به عربی ترجمه شد و این ترجمه را هارونیه می‌گویند و بار دوم در زمان مأمون ترجمه شد که آن را مأمونیه گویند.

یحیی بن خالد برمکی کتاب مجسطی را به عربی ترجمه کرد و عده‌ای آن را تفسیر کردند و چون به خوبی از عهده بر نیامدند هارون اباحسان و سلما را به مدیریت بیت‌الحکمه منصوب کرد و آنان به تصحیح و تفسیر آن پرداختند. کتاب‌های فلسفی نیز در زمان مأمون به عربی ترجمه شد. مأمون خود به فلسفه علاقه داشت و چون طرفدار معتزله بود و اکثریت مسلمانان مخالف معتزله بودند مأمون از راه مناظره و مباحثه علمی وارد شد و کوشید تا با تشکیل مجالس گفته‌های طرفین با عقل و منطق سنجیده شود و برای تأیید مباحث منطقی دستور به ترجمه کتب فلسفی و منطقی داد. و خود نیز آن کتب را مطالعه می‌کرد و در عقیده خویش محکم‌تر می‌گشت ولی در اواخر عمر از این روش ناامید شد چون در عامه مردم تأثیر نداشت لذا به قوه فهریه متوسل شد و به اسحاق بن ابراهیم والی بغداد دستور داد قضات و شهود و اهل علم را امتحان کند و هر کدام که به مخلوق بودن قرآن اقرار دارد آزاد شود. این را محنة القرآن یعنی آزمایش با قرآن می‌گفتند که نوعی تفتیش عقاید بود که تا زمان امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) نیز ادامه داشت و افراد بسیاری به این واسطه کشته شدند.

ریشه این دعاوها در اوایل قرن دوم و از زمان بنی امیه بود. اولین فرد جعد بن درهم معلم قرآن مروان حمار بود و از ابان بن سمعان و طالوت بن اعصم یهودی این فکر را گرفت. مأمون به حاکم بغداد (اسحاق بن ابراهیم) نوشت که اشاعره تفکر قدیم بودن قرآن را از مسیحیان در مورد عیسی گرفته‌اند. جعد بن درهم با فرار به کوفه این تفکر را به جهم بن صفوان ترمذی منتقل ساخت و توسط بشیر مریسی در خلافت هارون منتشر شد و هارون مخالف بود. امام رضا (ع) و سایر ائمه شیعیان را از ورود در بحث خلق و قدم قرآن نهی می‌کردند. ولی سخت‌گیری‌های خلافت و طرفداران معتزله سبب نفرت مردم از معتزله و گرایش مجدد به اهل حدیث و مکتب اشعری و ابن حنبل شد و در زمان متوکل جانب آنها گرفته شد.





در دوره مأمون قسطنطین بن لوقا بر ترجمه از یونانی و سریانی و کلدانی نظارت داشت و یحیی بن هارون در ترجمه فارسی نظارت داشت. برخی از توانگران نیز نظیر محمد و احمد و حسن پیروان شاکر منجم مال بسیاری در تهیه کتب ریاضی هندسه و موسیقی و نجوم صرف کردند. محمد بن موسی خوارزمی ریاضیدان و یعقوب اسحاق کندی، حسین بن اسحاق، ثابت بن قره حرانی و عمرو بن فرخان طبری از دانشمندان این دوره‌اند.

امام جواد (ع) (۲۲۰ - ۱۹۵)

نام: محمد، کنیه: ابوجعفر، ابوجعفر ثانی، القاب: تقی، جواد، نام مادر: سبیکه یا دُرّه از خاندان ماریه قبطیه معاصر مأمون و معتصم

امام رضا او را مولود با خیر و برکت نامید (به گواهی دو تن از شیعیان ابن اسباط و عبّاد بن اسماعیل). در این زمان واقفیه امامت امام رضا را منکر شدند. چون امام رضا تا ۴۷ سالگی فرزندی نداشت، امامت ایشان مورد تشکیک قرار گرفته بود. حسین بن قیاما واسطی از سران واقفیه این مطلب را برای امام نوشته بود و علیه امام تبلیغ می‌کرد تا جایی که حتی پس از تولد امام جواد خویشان امام گندمگونی امام جواد را بهانه قرار داده و ادعا داشتند او فرزند امام نیست. و قیافه شناسان را حاضر کردند و امام با لباس باغبانان در باغ مشغول بود و آنان در باغ نشستند. به قیافه شناس گفتند ما عموها و عمه‌های او هستیم و پدر او در جمع حضور ندارد اما این شخص عموی پدرش و این عموی خود اوست. قیافه شناس گفت: پدرش باید آن شخص باشد که در باغ بیل بر دوش دارد. زیرا ساق پاهای این دو شبیه هم است. سپس علی بن جعفر عموی امام رضا، برخاست و امام جواد را بوسید و گفت: تو امام من هستی.

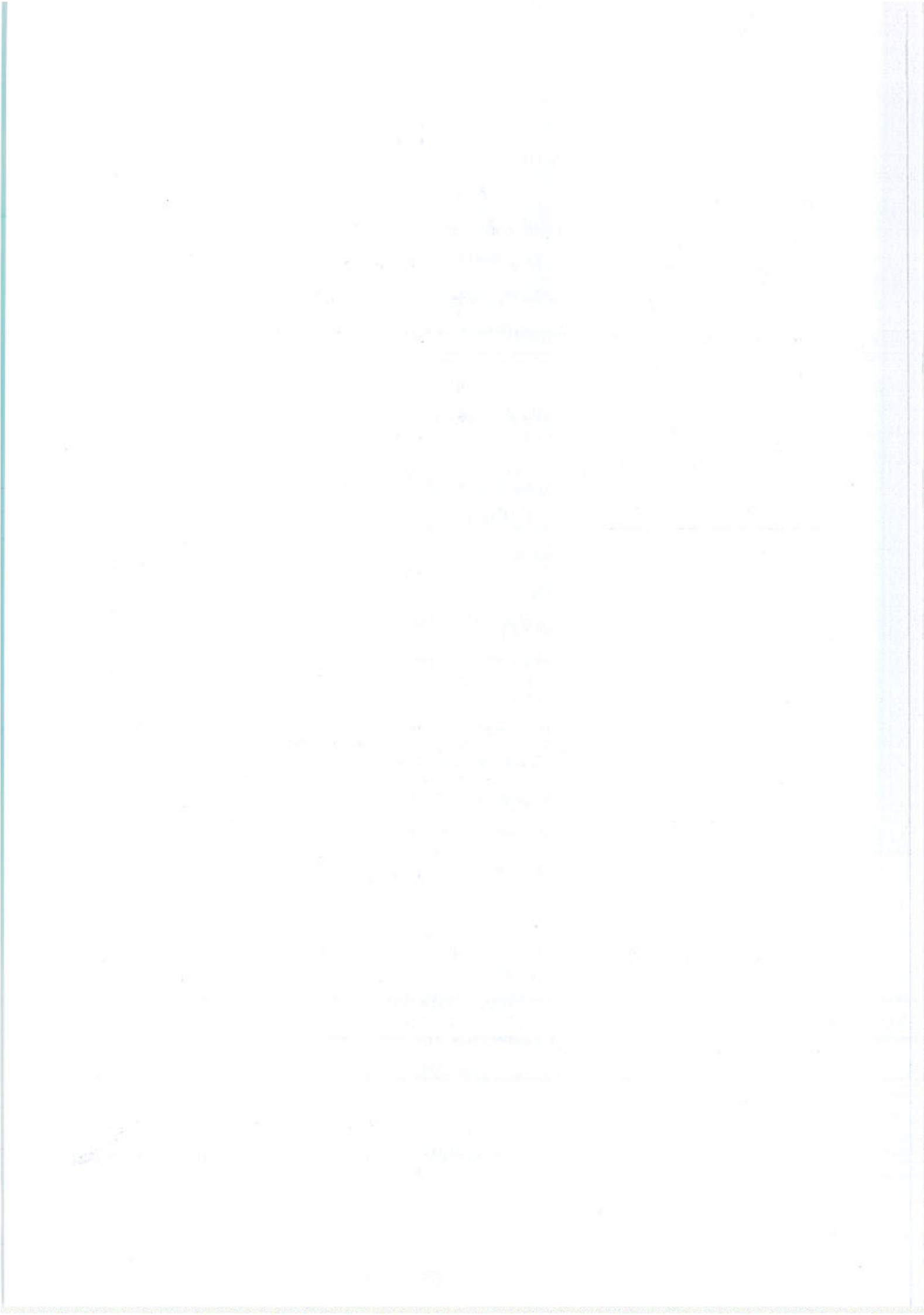
امامت امام جواد (ع) در خردسالی با توجه به نبوت یحیی (ع) و عیسی (ع) امر عجیبی نیست. یا یحیی خذ الکتاب بقوه و اتیناه الحکم صبیاً (مریم ۱۳) / قال انی عبدالله آتانی الکتاب و جعلنی نبیاً (یوسف ۳۰)

یک سال بعد از شهادت امام رضا (ع)، وقتی مأمون به بغداد آمد، امام جواد (ع) را دعوت کرد (سفر اجباری بود) و چند روز پس از مناظره امام جواد با یحیی بن اکثم، مأمون پیشنهاد تزویج دختر خود ام الفضل را به امام داد و امام سکوت کرد.

انگیزه‌های مأمون از این پیشنهاد عبارتند از: ۱. تحت نظر قرار دادن امام با جاسوسی ام الفضل، ۲. خوار و خفیف ساختن امام و لطمه زدن بر قداست امام با زندگی در دربار، ۳. جلوگیری از قیام علویان، ۴. به این وسیله فرزند امام جواد و نوه مأمون به امامت برسد، ۵. پاک کردن اتهام قتل امام رضا (ع) از دامان خود.

علت پذیرش امام جواد: ۱. مصون ماندن از خطر ترور توسط معتصم و دیگران، ۲. پیشگیری از سرکوبی سران تشیع و یاران برجسته امام، ۳. این پذیرش شبیه به پذیرش وزارت علی بن یقطین در درباره هارون بود.

مقام علمی امام جواد (ع)





از امام جواد(ع) مناظرات علمی و عقیدتی بسیاری نقل شده است. این مناظرات با انگیزه‌های مختلف و توسط افراد مختلفی ترتیب داده می‌شد. مثلاً مناظراتی از سوی خلفا، طرفداران خلفا و مدعیان امامت از خاندان خود امام، به منظور کارشکنی و ایجاد شبهات، و مناظراتی به منظور اثبات حقانیت امام از سوی دوستان و شیعیان آن حضرت بر پا می‌شد. در مناظره با یحیی بن اکثم، مقام علمی امام برای همه واضح گشت. درباره حکم شکار توسط مُحَرَّم پرسید و امام فرمود ۲۴ حالت دارد و هر کدام پاسخی. کدام را بگویم؟ سپس همه را فرمود. امام از او پرسید چگونه است مردی که به زنی نگاه می‌کند در صبح حرام است و سپس حلال و در ظهر حرام و در عصر حلال و... که نتوانستند جواب دهند و امام پاسخ داد. و در مورد قطع دست دزد نیز امام با آیات الهی حکم را صادر کرد. در جمع قضات در حضور معتصم طوری که ابن ابی داود قاضی آرزو می‌کرد کاش قبل از این مرده بودم.

یحیی بن اکثم به امام گفت نظر شما درباره این روایت چیست؟ جبرئیل به پیامبر گفت: خدا به تو سلام می‌رساند و می‌گوید من از ابوبکر راضی هستم از او پیرس آیا او از من راضی است؟ امام فرمود: پیامبر در حجة الاسلام فرمود وای بر کسی که بر من دروغ ببندد و فرمود حدیث اگر مطابق قرآن بود بپذیرید و خدا فرمود لقد خلقنا الانسان و نَعْلَمُ ماتوسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد (ق ۱۶) آیا خشنودی ابوبکر بر خدا پوشیده بوده؟ پرسید این حدیث چه؟ ابوبکر و عمر در زمین مانند جبرئیل در آسمان هستند.

امام: ملائک هرگز گناه نکرده‌اند در حالی که اینان ابتدا مشرک بوده‌اند و خدا آنها را تشبیه به ملائکه نمی‌کند.

یحیی: این حدیث ابوبکر و عمر سرور پیروان اهل بهشتند.

امام: محال است زیرا در بهشت همه جوان هستند و پیر یافت نمی‌شود.

یحیی: این حدیث چطور؟ عمر چراغ اهل بهشت است.

امام: آیا بهشت با نور ملائک، آدم، محمد و همه انبیاء روشن نمی‌شود با نور عمر روشن می‌شود؟

یحیی: عمر هر چه گوید از جانب ملک و فرشته است.

امام: ابوبکر که افضل از عمر بود گفت من شیطانی دارم که مرا منحرف می‌کند در این صورت مرا به راه درست باز آورید.

یحیی: پیامبر فرمود: اگر من مبعوث نمی‌شدم عمر مبعوث می‌شد.

امام: خداوند فرمود و اذ اخذنا من النبيين ميثاقهم. (احزاب ۷) خداوند از انبیا پیمان گرفته و آن تبدیل نمی‌شود.

انبیاء مشرک نبوده‌اند و عمر بیشتر عمر خود را مشرک بوده است و پیامبر فرمود آدم بین جسد و روح بود که من پیامبر شدم.

یحیی: پیامبر فرمود: هیچ گاه وحی از من قطع نشد مگر این که گمان کردم به خاندان خطاب نازل شده است.

امام: محال است پیامبر در نبوت خود شک کند. (الله يصطفى من الملائكة رسلاً و من الناس) با گزینش الهی شک باقی نمی‌ماند.

یحیی: این حدیث که اگر عذاب نازل می‌شد به جز عمر کسی نجات نمی‌یافت.

امام: انفال ۲۳ و ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما کان الله معذبهم و هم يستغفرون





### فعالیت‌های سیاسی امام

امام با شبکه ارتباطی وکالت از طریق نصب وکلا با شیعیان ارتباط داشت و از تجزیه نیروهای شیعه جلوگیری می‌کرد. شیعیان در شهرهای اهواز، همدان، سیستان، بَست، ری، بصره، واسط، بغداد و کوفه و قم بودند. امام به هواداران خود اجازه نفوذ در دستگاه حکومت را داد نظیر محمد بن اسماعیل بن بزیع و احمد بن حمزه قمی و نوح بن دراج که قاضی بغداد و سپس قاضی کوفه شد. و نیز حسین بن عبدالله نیشابوری که حاکم بَست و سیستان شد و حکم بن علیا اسدی که به حکومت بحرین رسید. یاران امام: عبدالعظیم حسنی و ابوهاشم جعفری، زکریا بن آدم، علی بن مهزیار، احمد بن ابی نصر بزنطی، محمد بن اسماعیل بن بزیع، احمد بن خالد برقی و... به دلیل شرایط خفقان و کوتاهی عمر امام راویان حدیث از امام جواد ۱۱۰ نفر بوده و ۲۵۰ حدیث از ایشان نقل شده است.

### شهادت امام

ابی داود پس از مناظره با امام و شکست از ایشان به معتصم گفت که شما نظر ابوجعفر را ترجیح دادید که نیمی از مردم شما را غاصب حق آنان می‌دانند و این به صلاح نبود. معتصم در صدد قتل امام برآمد و توسط منشی، یکی از وزرا یا به تحریک جعفر پسر مأمون و توسط ام‌الفضل، امام را مسموم نمود.

امام هادی(ع) ۲۵۴ - ۲۱۲ (عمر ۴۱ سال و چند ماه) امامت در سال ۲۲۰ در ۸ سالگی  
نام: علی بن محمد، کنیه: ابوالحسن، علی النقی (ابوالحسن ثالث) القاب: نقی و هادی شهادت بدست معتز در سامرا و در خانه‌اش دفن شد. معاصر معتصم، واثق و متوکل و منتصر پسرش و مستعین، پسر عموی منتصرو معتز پسر دیگر متوکل بود. نام مادر: سوسن یا سمانه.

اوضاع سیاسی، اجتماعی عصر امام هادی(ع)

۱. زوال هیبت و عظمت خلافت
۲. خوشگذرانی و هوسرانی درباریان
۳. گسترش ظلم و خودکامگی و سعی در ایجاد نفرت نسبت به علویان (به جز دوران منتصر که ۶ ماه بود و طرفدار امام بود)
۴. گسترش نهضت‌های علوی پرمورخین ۱۸ قیام را در سال‌های ۲۷۰ - ۲۱۹ هـ ضبط نموده‌اند که عموماً شکست خورده‌اند.

### علل شکست قیام‌ها

۱. نداشتن رهبری و نبودن برنامه صحیح در رهبری قیام لذا شکست قابل پیش‌بینی بود.
۲. نداشتن برنامه مدون

۳. قیام ۱۰۰٪ اسلامی نبود و رهبران مورد تأیید ائمه نبودند. گرچه برخی از شیعیان خالص بودند.  
 علل عدم تأیید ائمه: ۱. وجود انحرافات در رهبری و اهداف آن، ۲. عدم وجود برنامه صحیح و پیش‌بینی شکست، ۳. خطر برای اساس تشیع و امامت

فعالیت‌های سیاسی (مخفی) امام

در دوران متوکل - که حضرت علی (ع) در مورد او فرموده بود عاشرهم اکفرهم (بنا به نقل محدث قمی در سفینه البحار، جلد ۲/ ص ۳۳۲) - سختگیری شدیدتر بود. شیخ کلینی در این مورد می‌گوید: سخت‌گیری‌های عصر متوکل موجب سازماندهی مخفی شیعه توسط ائمه (ع) گردید.

محمد بن داود قمی و محمد طلحی می‌گویند اموالی از قم و اطراف آن شامل خمس و نذر و هدایا برای امام هادی می‌بردیم که در راه پیک امام رسید و موقعیت را نامناسب و ما را به بازگشت فرمان داد و سپس گفت: به دستور امام، اموال را بدون ساریان با شتر به سوی امام فرستادیم و پس از چندی که به دیدار رفتیم متوجه شدیم اموال رسیده‌اند. شبکه ارتباطی وکالت که از دوران امام جواد شروع شده بود، گسترده‌تر گشت، به طوری که تجربه شیعیان و وکلای امام در این ارتباط بیشتر شد و مناطق به چهار گروه تقسیم شد.

۱. بغداد، مدائن و عراق (کوفه)، ۲. بصره و اهواز، ۳. قم و همدان، ۴. حجاز، یمن و مصر  
 هر ناحیه یک وکیل داشت و کارگزاران توسط وکیل منصوب می‌شدند. در این مورد نامه‌هایی از امام خطاب به وکلا و تعیین و یا تغییر آنها موجود است (اختیار معرفه الرجال شیخ طوسی صص ۵۱۰ و ۵۱۳ و ۵۱۴)

نمایندگان امام هادی (ع)

ابراهیم بن محمد همدانی، علی بن جعفر از اطراف بغداد که توسط متوکل زندانی شد و پس از دورانی طولانی آزاد شد و امام به او دستور داد به مکه برود.

برخی از وکلای امام در بغداد، مدائن و کوفه و سایر نقاط زیر شکنجه در گذشتند و یا به زندان افتادند. این اقدامات لطمه‌های جدی بر پیکر شبکه وکالت وارد کرد اما امام آن را فعال و پرمهر نگه داشت.

به توصیه فرماندار مدینه خلیفه متوکل امام را توسط یحیی بن هرثمه به سامرا آورد و به بهانه این که محل اقامت امام آماده نیست ابتدا ایشان را به کاروانسرای بینوایان (خان الصعاليك) بردند تا تحقیق مؤدبانه داشته باشند. روز بعد ایشان را به محل معین بردند و موقعیت محل طوری بود که کنترل رفت و آمدها ممکن باشد. با این حال متوکل هر چند وقت یکبار دستور تفتیش خانه امام را می‌داد. پس از مدتی به پیشکار خود - سعید بن حاجب - دستور قتل امام را داد. ولی خودش قبل از آن کشته شد.

اقدامات متوکل: ۱. زندانی کردن علویان، ۲. تخریب و شخم زدن مزار امام حسین و ممانعت از زیارت آن حضرت و تبعید زائرین، ۳. این سکیت معلم فرزندان متوکل و یار امام جواد و امام هادی و شاعر و ادیب شیعی بود، متوکل از او پرسید فرزندان من نزد تو محبوب‌ترند یا حسن و حسین؟ این سکیت گفت: غلام علی (ع) قنبر از تو و دو فرزندت بهتر است. متوکل دستور داد زبان او را از پشت سرش بیرون کشیدند. خطیب بغدادی می‌نویسد: متوکل نصر بن علی



جهنمی را به علت ذکر منقبت و فضایل علی و فاطمه و حسین هزار تازیانه زد تا این که شهادت دادند او از اهل سنت است. ۴. ایجاد ارتش نوین بنام شاکریه و آوردن و استخدام افراد ضد علوی از سوریه، الجزیره، جبل، حجاز، و عنباء. ۵. دستور به تبعید طالبیان از مصر و انتقال آنان به مدینه. ۶. اخراج شیعیان از دستگاه دولتی. ۷. پرداخت صله به مخالفین علویان برای سرودن شعر درباره مشروعیت عباسیان نظیر مروان بن ابی الجنوب. ۸. فشارهای اقتصادی به شیعیان طوری بود که بانوان علوی یک دست لباس کامل درست نداشتند و به نوبت در آن نماز می خواندند. ۱. در مصر اجازه داشتن ملک به علویان داده نشد. ۲. و نیز اجازه اسب سواری و حرکت از فسطاط به شهرهای دیگر به آنها ندادند. ۲. در دعاوی ابتدا سخن غیر علویان شنیده و حکم داده می شد.

متوکل ندیمی داشت به نام عبادۀ مخنث که به امام علی (ع) توهین می کرد. منتصر از دیدن این مناظر ناراحت شده تصمیم به قتل متوکل گرفت و آنها را کشت. در زمان منتصر موقوفات علویان و فدک را به آنها باز گرداندند و ایمنی برای علویان ایجاد شد ولی خلافت او ۶ ماه بیشتر نبود و بار دیگر اختناق و فشار آغاز شد.

#### مبارزات امام هادی (ع)

داوری های امام هادی در مورد کیفر مسیحی زنکار که برای فرار از مجازات مسلمان شد ولی امام بر خلاف نظر یحیی بن اکثم، حکم حد بر او را اعلام کرد. به استناد آیه ۸۴ - ۸۵ غافر و در مورد نذر متوکل که صدقه کثیر بود فرمود: ۸۲ دینار بپردازد با استناد لفظ نصرکم الله فی مواطن کثیره که تا آن زمان ۸۲ جنگ اتفاق افتاده بود. در دنباله بحث از امام هادی و مبارزات کلامی او می توان گفت پاسخ مردم اهواز درباره جبر و تفویض مبارزه با غلاة (غلوکنندگان) نظیر علی بن حنکله قمی که به الوهیت امام هادی و نیابت خودش و عدم وجوب فرائض اسلامی معتقد بود. از دیگر غلاة محمد بن نصیر فهری بود که به الوهیت امام، جواز ازدواج با محارم و لواط و تناسخ معتقد بود و فارس بن حاتم که امام دستور قتل او را داد و برای قاتل او بهشت را تضمین کرد. و جنید فرمان را اجرا نمود.

#### فتنه خلق قرآن

زنی ادعا کرد که او زینب دختر فاطمه و علی است. متوکل از امام راه حل خواست امام یا دیگران گفتند: گوشت ذریه پیامبر بر درندگان حرام است. به این وسیله او را امتحان کنند و او اعتراف کرد دروغ گفته است. فتنه خلق قرآن که در اواخر دوران بنی امیه آغاز شده بود، هنوز ادامه داشت. امام هادی در پاسخ یکی از شیعیان بغداد نوشت سؤال در مورد بدعتی است که سؤال کننده و پاسخ دهنده در آن شریکند. خالق جز خدا نیست و به جز او همه مخلوقند. قرآن نیز کلام خداست از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که از گمراهان خواهی گشت. احمد بن حنبل معتقد به قدیم بودن قرآن بود و تازیانه خورد.

#### شاگردان امام هادی (ع)

شیخ طوسی تعداد شاگردان حضرت را ۱۸۵ نفر می داند. نظیر عبدالعظیم حسنی، فضل بن شاذان، حسین بن سعید اهوازی، ایوب بن نوح، ابوعلی (حسن بن راشد) حسن بن علی ناصر کبیر و عثمان بن سعید اهوازی که آثار و تألیفات ارزشمندی در زمینه های مختلف علوم اسلامی از آنها در کتب رجال بیان شده است.

شهادت امام در سال ۲۳۲: با وجود تحت نظر بودن امام در سامرا امام توسط معتز مسموم شد و در سامرا خانه خویش به خاک سپرده شد.

ابوبکر خوارزمی در عصر آل بویه متوفی ۳۸۳ می‌نویسد: در مرگ دلقک و بازیگر دربار بنی عباس تمام قضات دارالقضا در تشییع شرکت می‌کنند و والیان برای او اقامه عزا می‌کنند اما برای سادات خاندان نبوی تشییع انجام نمی‌شود. مردم می‌گفتند یا لیت جوربنی مروان عادلنا و کان عدل بنی عباس فی النار به این مضمون که: ای کاش عدالت بنی عباس در آتش می‌سوخت. مصداق ضرب‌المثل صد رحمت به کفن دزد اول است. معتز نیز در ۲۵۵ یا ۲۵۱ با هجوم ترکان با شکنجه و وضع بدی در سردابی زندانی شد تا زنده بگور و کشته شد.

امام حسن عسگری ۲۶۰ - ۲۳۲

القاب: نقی، زکی، کنیه: ابومحمد، امامت ۶ سال و ۲۸ سال عمر کرد. مادر: حُدیثه (سوسن) معاصر المعتز بالله و مهدی و معتمد بود. شهادت توسط معتمد عباسی

مهدی برادر معتز و به سان عمر بن عبدالعزیز در میان بنی‌امیه بود و مورخان او را ستوده‌اند. با این حال او امام عسگری را به زندان فرستاد.

ابعاد فعالیت‌های امام عسگری

۱. کوشش‌های علمی در رفع شبهات و تبیین اندیشه صحیح اسلامی، ۲. ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان و ارسال پیام و پیک برای سران شیعه، ۳. فعالیت‌های سری سیاسی، ۴. حمایت و پشتیبانی مالی شیعیان تا جذب دستگاه نشوند مانند ابوهاشم جعفری، علی بن زید علوی، ۵. تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه، ۶. آگاه کردن شیعیان خاص از تولد حضرت با پرداخت پول برای عقیقه‌های فراوان، حدود ۳۰۰ گوسفند، ۷. استفاده گسترده از علم غیب باری جلب منکران امامت و دلگرمی شیعیان از اقدامات خارق‌العاده امام که تا ۱۳۶ مورد را ثبت کرده‌اند، ۸. آماده سازی شیعیان برای دوران غیب امام مهدی به وسیله ارسال نامه به مدینه، قم و تبیین وظایف آنان در این دوره.

کوشش‌های علمی

اسحاق کندی از فلاسفه کتابی به نام تناقض‌های قرآن می‌نوشت. امام توسط شخصی به او پیام داد: آیا ممکن است گوینده قرآن مقصودی جز آن چه تو فهمیده‌ای داشته باشد؟ اسحاق گفت: آری ولی این سؤال به ذهن تو نیامده و فرستاده حقیقت را گفت که از ابومحمد (امام عسگری) است. و اسحاق گفت: این سؤالات زبینه این خاندان است و کتاب خود را سوزاند.

در سامرا قحطی شد، مسلمانان سه روز برای نماز باران به صحرا رفتند، روز چهارم جاثلیق راهب دست به دعا برداشت. باران آمد، برخی از مسلمانان شک کرده و متمایل به نصرانیت شدند. متوکل هراسان گشت و امام را از زندان بیرون آورد و جریان را گفت. امام فرمود مرا به صحرا ببرید و به غلامش فرمود که در انگشتان دست راست راهب،



چند احتمال (نظر) مطرح شده است: ۱. چون امام در معسکر (پادگان) تحت نظر بود، ۲. خلیفه عباسی برای تحقیر امام سپاه تیرانداز خود را به او نشان داد و از امام خواست تیراندازی کند امام نیز نیروهای الهی را به او نمایاند که اینها سپاه منتد و او را عسکری نامیدند، ۳. خلیفه برای قدرت نمایی همراه امام به بیابان رفت تپه‌ای را نشان داد و به سپاه گفت هر یک توپره‌ای از خاک آن بردارند امام نیز لشکر الهی یعنی فرشتگانی را که بین زمین و آسمان بودند، به او نشان داد و خلیفه مرعوب شد، ۴. امام همواره ۱۸ - ۱۷ هزار مسلمان مراقب و ملازم داشت.

از زمان متوکل ضعف نظامی و سیاسی و نفوذ ترکان در دربار خلافت به جای عرب و ایرانیان آغاز شد. در عصر مقتدر عباسی دو خلیفه دیگر عبدالله فاطمی در مصر و شمال آفریقا و عبدالرحمن سوم اموی در اندلس حکومت می‌کردند. بربرها مقتدر عباسی را کشتند و سر او را برای قاهر عباسی برادرش بردند. بعد میل به چشم خلیفه کشیدند و او را کور کردند. او در کوچه‌ها گدایی می‌کرد. پس از او دو خلیفه دیگر (المتقی و المستکفی) توسط امیر الوزراء کور شدند و هرج و مرج نظامی پدید آمد (الفوضى العسکری) طوری که خلفای یک روزه داشتند مثل المرتضی. امام زمان - تولد در ۲۵۵

کنیه: ابوالقاسم، القاب: حجت قائم، صاحب الزمان، خلف صالح، بقیه الله و مهدی، نام مادر: نرجس، ریحانه، سوسن - صیقل. عمه امام خود را خدمتگذار ایشان معرفی کرده است. تولد حضرت مخفی بوده و آثار حمل و ولادتش شبیه موسی (ع) بود. امام عسکری برای ایشان ۳۰۰ گوسفند، گاه خودش و گاه با ارسال پول و گوسفند برای وکلا عقیقه نمود. ۴۰ نفر از ایاران امام به همراه عثمان بن سعید عمری خدمت امام رفتند امام فرمود می‌خواهید بگویم چرا آمده‌اید؟ آمدید تا از حجت و امام بعد از من بپرسید. آن گاه پسری نورانی وارد شد و امام فرمود امام شما اوست پس از من اختلاف نکنید که هلاک می‌شوید و دینتان تباه می‌شود.

ریشه اعتقاد به مهدی (عج)

در آیات و روایات به این مطلب اشاره شده است: در آیات قصص ۹، انبیاء ۱۰۶، نور ۵۵، حدید ۱۷، توبه ۹ و ۱۳۳، صف ۱۹ و فتح ۲۸. در روایات نیز اشاره به این مطلب به قدری زیاد بوده که افراد زیادی خود را مهدی امت نامیده‌اند و یا از این روایت استفاده نموده‌اند نظیر محمد عبدالله محض (نفس زکیه) و منصور عباسی که نام فرزندش را مهدی گذاشت. اعتقاد به مهدی در جهان تسنن هم هست ولی برخی از آنها معتقدند هنوز بدنیا نیامده است، با اینکه ۲۰ نفر از آنها به تولد ایشان تصریح کرده‌اند در همه قیام‌های زمان عباسیان مردم را به الرضا من آل محمد دعوت می‌کردند.

روایاتی که تولد و خصوصیات آن حضرت را بیان کرده ۲۹۳ حدیث است. تعداد روایات علائم ظهور ۶۵۸ است. اینکه تعداد ائمه ۱۲ نفر و از اولاد امام حسین هستند، در ۱۰۷ روایت نقل شده است. روایاتی که مهدی از عترت پیامبر است ۳۸۹ از اولاد علی است ۲۱۴ حدیث از اولاد فاطمه ۱۹۲ حدیث از اولاد امام حسین ۱۸۵ نهمین نسل امام حسین ۱۳۸ و... عمر او طولانی است ۳۱۸ حدیث

استخوان بدن پیامبری قرار گرفته و باران به این سبب نازل شده است. آزمودند و دیدند همین طور است. این حادثه موجب آزادی امام از زندان شد و حضرت آزادی یاران خود را خواست.

ابراهیم بن عبده نماینده امام در نیشابور بود. احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری (استاد شیخ صدوق) نماینده امام در قم و از اصحاب امام جواد و امام هادی نیز بود و با حسین بن روح نویختی ارتباط داشت. برخی نیز او را رابط امام و برخی نماینده امام یا نماینده در موقوفات قم دانسته‌اند.

ابراهیم بن مهزیار که نتوانست وجوه را به امام برساند به فرزندش وصیت کرد و او آن را به امام زمان رساند. محمد بن عثمان عمری در رأس وکلای امام قرار داشت. و وکلا توسط او اموال را به امام می‌رساندند. نامه‌های امام به ابن بابویه در تقویت و توجیه سیاسی شیعه موثر بوده و نیز امام قبل از رحلت نامه‌های فراوانی به مدینه نوشت. که روشنگر افکار بود مثلاً ابی هاشم از امام پرسید چرا ارث زن نصف مرد است فرمود: بر زن جهاد واجب نیست و نفقه او بر شوهر و دیه بر عاقله است و بر مرد هر سه واجب است.

#### فعالیت‌های سری سیاسی امام

از نزدیکترین یاران امام عثمان بن سعید عمری بود که در پوشش روغن فروشی (سمّان) در ظرف‌های روغن وجوه را به حضور امام می‌رساند و دیگر داود بن اسود که مأمور هیزم کشی و گرم کردن حمام خانه امام بود روزی چوب بلندی را امام به او داد تا به عثمان بن سعید بدهد. او در راه به قاطری که راه را بسته بود زد و چوب شکست و نامه‌ها را دید. به سرعت بازگشت امام به او فرمود چرا چنین کردی؟ از این پس اگر کسی به ما هم ناسزا گفت مشاجره نکن راه خود را بگیر و برو. سرانجام امام توسط معتمد عباسی مسموم شد و به شهادت رسید.

معتمد پس از رنجوری امام، ۵ تن از درباریان خود را به همراه چند پرستار به خانه امام فرستاد تا حال ایشان را زیر نظر بگیرند. پس از شهادت امام عیسی بن متوکل برادر خود را فرستاد تا بر جنازه حضرت نماز بخواند که این نماز جنبه تشریفاتی داشت اما دانشمندان شیعه از نماز بر امام به طرز دیگر توسط امام مهدی خبر داده‌اند.

ابوالادیان از خدме امام که نامه‌های امام را به شهرها می‌برد می‌گوید امام مرا به مدائن فرستاد و فرمود ۱۵ روز بعد که بازگردی خواهی دید که مرا در محل غسل گذاشته‌اند. پرسیدم امام بعد از شما کیست؟ فرمود او بر جنازه من نماز می‌خواند. و از همیان (کمر بند) خبر می‌دهد. در آن روز عده‌ای از قم آمدند. از امام درباره همیان سوال شد. ایشان فرمود که هزار دینار در آن است و ده تا از آنها را آب طلا داده‌اند. در حالی که جعفر عموی امام از این سوال بر آشفت و گفت چرا از ما انتظار غیب دارند؟ پس از شهادت امام، معتمد برای این که وانمود کند فرزندی از امام نمانده دستور داد میراث حضرت میان مادر و برادرش جعفر تقسیم شود ولی از مردم شیعه برخی از فرزند امام خبر داشتند.

پس از چندی قیام یعقوب لیث صفاری و در خراسان و مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان و آشوب صاحب الزنج در بصره پیش آمد و فرصت تعرض به امام باقی نماند.

علت شهرت امام به عسکری



غیبت امام: ۱. صغری (۳۲۹ - ۲۶۰) دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری است، ۲. کبری (۳۲۹) امام باقر فرمود ایشان دو غیبت دارد. امام صادق فرمود امام قائم دو غیبت خواهد داشت کوتاه مدت و دراز مدت.

نواب خاص امام

عثمان بن سعید عمری از یاران امام هادی و امام عسکری بود و مراسم تغسیل و خاکسپاری امام عسکری را انجام داد. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری در ۳۰۴ هـ درگذشت و ۴۰ سال نایب امام بود و از درگذشت خود خبر داده بود. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی متوفی سال ۳۲۶ هـ در زمان مقتدر ۵ سال زندانی بود و در سال ۳۱۷ آزاد شد. ابوالحسن علی بن محمد سمری متوفی سال ۳۲۹ هـ قبل از مرگ توقیع امام به او رسید. که تا ۶ روز دیگر از دنیا می‌روی کارهایت را مرتب کن و کسی را به جانشینی مگمار که غیبت کامل فرا رسیده است.

وظایف نواب: ۱. پنهان داشتن نام و مکان امام، ۲. سازماندهی وکلا، ۳. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام، ۴. پاسخگویی به سئوالات فقهی و مشکلات عقیدتی، گاه اظهار می‌کردند که پاسخ‌ها را از امام آموخته‌اند، ۵. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت نظیر شلمغانی و احمد بن هلال کرخی، شلمغانی ابتدا از فقها بود و کتابی به نام تکلیف نوشته بود ولی شلمغانی بعدها به غلو و انحراف کشیده شد و افکار کفرآمیزی مطرح کرد. از جمله حلول روح پیامبر(ص) در محمد بن عثمان و روح علی(ع) در حسین بن روح و روح فاطمه(س) در ام کلثوم دختر محمد بن عثمان، حسین بن روح این را کفر نامید و توقیعی در سال ۲۱۲ در لعن و ارتداد او صادر گردید و در ۳۲۳ هـ کشته شد.

برخی از علل غیبت

با کشته شدن ۱۱ امام، خداوند ذخیره الهی را حفظ نمود تا قدر حجت ظاهر و امام آشکار را بهتر بدانند. ۱. آزمایش مردم آنها که ایمان استواری ندارند دچار شک و تردید می‌شوند و آنها که استوارند پخته‌تر و شایسته‌تر می‌شوند. امام موسی بن جعفر(ع) فرمود در غیبت پنجمین فرزندم خدا بندگان را آزمایش می‌کند. جهات آزمایش:

الف) طولانی شدن غیبت

ب) سختی‌ها و ناگواری‌های زمان غیبت

۲. ایجاد آمادگی روحی و فکری در مردم

۳. حفظ جان امام، زراره از امام صادق(ع) نقل می‌کند که چرا امام غایب می‌شود؟ فرمود بر جان خویش بیمناک خواهد بود

۴. آزادی از یوغ بیعت با طواغیت زمان - او مأمور به تقیه نیست و دین خدا را به طور کامل و بی‌هیچ ملاحظه‌ای اجرا می‌کند حسن بن فضال از امام رضا(ع) نقل می‌کند؟ وقتی او قیام کند بیعت کسی در گردنش نیست. ۵. یأس از مکاتب و طرح‌های اصلاحی - طرح‌ها به بن بست رسیده و مردم خسته شده‌اند تا طرح دولت حق اجرا شود.

روایاتی که دال بر نیابت عام در غیبت کبری است

۱. مقبوله عمر بن حنظله از امام صادق (ع) می‌رسد اگر اختلافی در شیعیان بر سر قرض یا اربث پیش آمد آیا جایز است به حکومت و قضات (وقت) مراجعه کنند؟ امام فرمود هر کس در مورد حق یا باطل به آنان مراجعه کند به طاغوت مراجعه کرده و هر چه به حکم آنان بگیرد به حرام گرفته هر چند حق ثابت او باشد. در حالی که خدا امر کرده بریدون ان یتحاكموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به (نسا ۶۰) پرسیدم چه کنند؟ فرمود نگاه کنند چه کسی حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر می‌کند قوانین ما را شناخته او را حاکم و صاحب رأی بدانند. زیرا من او را بر شما حاکم قرار داده‌ام و اگر کسی حکم او را نپذیرد حکم خدا را سبک کرده و ما را رد کرده و کسی که ما را رد کند خدا را رد کرده و این به منزله شرک به خداست. در صورتی که امام در مورد یک حکم راضی به مراجعه به طاغوت نباشد در سایر امور مسلمانان نیز راضی نخواهد بود.

۲. اسحاق بن یعقوب می‌گوید نامه‌ای به محمد بن عثمان دادم تا به امام برساند و مسائلی را پرسیده بودم. امام به خط خود نوشته بود: و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجت الله (طوسی ص ۱۷۷) توقیعات امام در کمال الدین شیخ صدوق و در الغیبه شیخ طوسی حدود ۸۰ توقیع نقل شده است.

۳. روایات کلی که مسئولیت علما و فقها را برمی‌شمارد، نظیر خطبه سوم نهج البلاغه ... و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کفۃ الظالم و لا یسغب مظلوم...

۴. روایتی که ابوبصیر از امام صادق نقل می‌کند، در غیبت نعمانی، ص ۱۷۳ و غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۳ آمده: و اما من کان من النقیه منکم حافظاً لدینه صائناً لنفسه مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه

فواید وجود امام در دوران غیبت

۱. خورشید پنهان، ۲. جان جهان: امام واسطه فیض است و امام صادق فرمود اگر زمین بدون وجود امام بماند ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد، ۳. پاسداری از آئین خدا علی (ع) فرمود: زمین از قائم خالی نخواهد بود خواه ظاهر و آشکار باشد یا پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید، ۴. امید بخشی شیعه هیچگاه خود را تنها نمی‌بیند و این امید او را وادار به خودسازی و آمادگی برای قیام بزرگ جهانی می‌نماید. هانری کوربن می‌گوید تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق و برای همیشه نگه داشته و آن ولایت است که برای همیشه آن را زنده می‌داند.

دور نمای حکومت مهدی

۱. گسترش دین حق و مکتب الهی و آسمانی، ۲. رهبری معصوم و آگاه برای جامعه، ۳. رفاه و امنیت عمومی بدون ظلم و ستم، ۴. رشد علمی و فرهنگی و استخراج همه قوا و استعدادها، ۵. سرکوبی طاغوت‌ها و رهبران کفر و فساد و مکاتب فساد گستر، ۶. برگزاری مساوات و برابری و برادری و ایجاد امت واحد، ۷. حاکمیت قانون الهی در جامعه جهانی



#### اخبار مهدی (عج) در منابع اهل سنت

محدثان اهل سنت از قول ۳۳ نفر از صحابه احادیث مربوط به حضرت مهدی را آورده‌اند. ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای اهل سنت اخبار ظهور را آورده‌اند و ۳۲ نفر مستقلاً درباره حضرت مهدی کتاب دارند در مسند احمد بن حنبل (۲۴۱) و صحیح بخاری (۲۵۶) که قبل از تولد حضرت نوشته شده احادیث مربوط به ایشان آمده است. شوکانی در کتاب التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح در اثبات تواتر احادیث مهدی مطالب بسیاری نوشته است و نیز حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی در البیان فی اخبار صاحب الزمان و ابن حجر عسقلانی در فتح الباری و صافی، در نوید امن و امان ص ۹۵ - ۹۱ احادیث را آورده‌اند.

در شرح صحیح بخاری و مؤمن شیلنجی احادیث متواتر در این مورد آمده است. همچنین شیخ منصور علی ناصف از علمای معاصر الازهر در التاج الجامع للاصول ج ۵ ص ۳۱ و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۱۰ ص ۹۶ می‌نویسد: «تمامی فرق اسلامی اتفاق نظر دارند که عمر دنیا و تکلیف (بشر به اجرای احکام الهی) پایان نمی‌پذیرد مگر پس از ظهور مهدی»

سخاوی در فتح المغیث و محمد بن احمد سفاوینی در شرح العقیده، ابوالحسن ابری در مناقب الشافعی، ابن تیمیه در فتاویش، سیوطی در الحادی، ادیس مغربی در کتاب المهدی، ابونعیم در اخبار المهدی و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ابن عساکر در تاریخ دمشق و... از امام زمان (ع) سخن گفته‌اند. همچنین در سنن ابی داود، ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر الدانی، در مسانید احمد، ابی یعلی، بزاز، صحیح حاکم، در معاجم طبرانی و رویانی و دار قطنی از امام زمان (ع) صحبت شده است.

«حافظان احادیث تصریح کرده‌اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث صحیح و حسن است و مجموع آنها قطعاً متواتر و صحیح می‌باشد». این جمله‌ای است که در بیانیه رابطه العالم الاسلامی توسط مدیر مجمع فقهی اسلامی محمد منتصر کنانی مستقر در مکه که از مراکز وهابیت می‌باشد نقل شده است. این مطلب در سال ۱۹۷۶ م در پاسخ به سؤال فردی از کنیا درباره ظهور مهدی منتظر از این مرکز ارسال شده است.

\* متن کامل آن در کتاب مهدی انقلابی بزرگ ص ۱۵۱ - ۱۵۵ از مهدی پیشوایی آمده است.<sup>۲</sup>

آیات مربوط به قیام حضرت مبنی بر وعده حکومت مستضعفان (قصص ۶) (انبیاء ۱۰۶) و وراثت صالحان (نور ۵۵) در مورد استخلاف سرزمین و احیای جامعه با عدالت حدید ۱۷ و پیروزی اسلام بر ادیان توبه و ۱۳۳، صف ۹ فتح ۲۸

#### علام ظهور

الف) شیوع ظلم و گناه در سراسر جهان و در جوامع اسلامی

ب) حوادث پیش از ظهور: ۱. خروج سفیانی در شام که قیام می‌کند و بعد از تصرف آن منطقه به سوی کوفه و مدینه و مکه می‌رود و جنایات بسیار می‌کند. ۲. فرو رفتن سپاه سفیانی در زمین، ۳. خروج سید حسنی، ۴. خروج یمانی، ۵. کشته شدن نفس زکیه

<sup>۲</sup> این تمییه روایات مهدی را پذیرفته و پنج تن از علمای حجاز این بیانیه را تنظیم نموده‌اند.

### قیام امام

امام در مکه و کعبه میان رکن و مقام ظهور می‌کند یاران ویژه او ۳۱۳ نفرند که در مکه بیعت می‌کنند و سپس با امام به سوی مدینه می‌روند امام پس از مبارزه به سوی کوفه رفته با سید حسنی ملاقات می‌کند و با سپاهش با امام بیعت می‌کنند و مرکز حکومت امام کوفه است. حضرت مسیح از آسمان نزول می‌کند و به امام (ع) اقتدا می‌نماید. عدل و برکات و امنیت همه جا گسترده می‌شود.

اسری